



## کتابخانه های لکهنو

پدیدآورده (ها) : خواجه پیری، مهدی  
علوم قرآن و حدیث :: مشکوة :: بهار و تابستان 1367 - شماره 18 و 19 (ISC)  
از 172 تا 194  
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58610>

دانلود شده توسط : موسسه معارف اهل بیت (ع) قم  
تاریخ دانلود : 19/04/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

# کتابخانه‌های لکنو

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو تا کنون کتابهای خطی چند کتابخانه مهم کشور هند را که از موارث اسلامی است فهرست کرده و به چاپ رسانیده است. از جمله اخیراً کتب خطی کتابخانه نفیس راجه محمودآباد در یک مجلد فهرست شده و در مقدمه آن گزارشی از کتابخانه‌های لکنو به قلم دانشمند متبع آقای خواجه پیری سرپرست مرکز تحقیقات فارسی رایزنی جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو آمده که با تجدیدنظر و اضافاتی بر آن بقلم نویسنده محترم از نظر خوانندگان می‌گذرد.

با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان و گسترش سریع آن، تحولی جاودانه در تاریخ بشریت بوجود آمد. پیشرفت سریع اسلام در نقاط مختلف جهان، بیشتر مرهون معنویتهایی بود که اسلام در فرد فرد پیروانش پدید آورد. اسلام به هرکجا راه یافت نشانه‌های فراموش نشدنی از خود بجای گذاشت و پدیده‌های معنوی و ارزشهای والای انسانی را عینیت بخشید. از جمله مناطقی که اسلام به آسانی در آن راه یافت و در فرهنگ و تمدن آن تأثیری عمیق گذاشت، شبه قاره هند بود. هر چند امیران و فرمانروایان مسلمان به صورت فاتحین به سرزمین هند وارد شدند، لیکن جامعیت اسلام موجب پذیرش و استقبال هندیها از اسلام و مسلمین گردید و زمینه‌ای به وجود آمد که اسلام نه تنها در سرزمین هند پیشرفت سریعی پیدا کرد، بلکه مسلمانان حدود هشتصد سال بر شبه قاره هند فرمانروایی کردند و هند به صورت یکی از پایگاههای اسلام و علوم و فنون اسلامی درآمد.

عشق و علاقه بعضی از سلاطین مسلمان به فرهنگ و ادب اسلامی و احترام ایشان به علما و دانشمندان، نشانگر این واقعیت در طول تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی در هند است. فرمانروایان مسلمان با ساختن بناهای عظیم و تأسیس مدارس و تقدیر از علما و تشویق طلاب، فرهنگ و تمدن اسلامی را در سراسر هند بسط دادند. چنانکه در زمان سلطنت محمد شاه تغلق (۷۲۵ هـ / ۱۳۲۵ م - ۷۵۲ هـ / ۱۳۵۱ م) تنها در دهلی هزار مدرسه کوچک و بزرگ برای طالبان علم وجود داشت و در هر مدرسه دهها طالب علم به فراگیری علوم اسلامی مشغول بودند و در کنار اکثر مدارس کتابخانه‌هایی برای استفاده مدرسین و طلاب بنا گردیده بود. آثار مدرسه فیروز شاه تغلق در کنار

حوض خاص در دهلی تا کنون وجود دارد.

در این ایام فراگیری علوم و فنون اسلامی تنها منحصر به مدارس نبود بلکه مساجد و خانقاهها نیز آموزشگاههای علوم اسلامی بودند و در کنار بیشتر مساجد و خانقاهها کتابخانه‌های عمومی وجود داشت، شیخ عبدالحق محدث دهلوی (متوفی: ۱۰۵۲ هـ / ۳-۱۶۴۲ م) در اخبارالاکخیار در شرح حال سراج الدین می‌نویسد که وی از شاگردان مولانا رکن الدین و عارف بزرگ خواجه نظام الدین اولیاء (متوفی: ۷۲۵ هـ / ۱۳۲۵ م) بود و از کتابخانه خواجه که در جنب خانقاه وی بود استفاده نمود.

در میان حکومت‌های اسلامی هند، سلاطین مغول بیشتر به فنون و علوم اسلامی علاقه نشان می‌دادند. ظهیرالدین محمد بابر (متوفی: ۹۳۷ هـ / ۱۵۳۰ م) سر سلسله شاهان مغول (تیموریه) در هند، خود مردی صاحب فضل بود و شعر می‌سرود. وی کتابخانه‌ای عظیم در قصر خود برپا کرد و علما و هنرمندان را از گوشه و کنار برای رونق کتابخانه دعوت می‌کرد. شدت ذوق و علاقه بابر به مطالعه آن قدر بود که شبها پس از فراغت از امور سلطنتی برای مطالعه به کتابخانه می‌رفت و تا پاسی از شب به مطالعه مشغول بود و گاه در همانجا استراحت می‌کرد. وی دارای خطی خوش بود. ابتکاری در خط به وجود آورد که به نام خط بابری شهرت یافت. مورخان شماره کتب کتابخانه بابر را ۴۰۰، ۵۲ نسخه ثبت کرده‌اند.

در زمان سلطنت همایون (۹۳۷ هـ / ۱۵۳۰ م - ۹۶۳ هـ / ۱۵۵۶ م) فرزند بابر به علت شوق شاه به علوم ادبی مجالس بزرگ علمی و ادبی در گوشه و کنار و در حضور همایون برپا می‌گردید. وی از هفت تالاری که به نام هفت ستاره بزرگ برای پذیرایی مهمانانش بنا کرده بود، دو هال (سالن) به نامهای زهره و مشتری را برای ملاقات با علما، دانشمندان و هنرمندان اختصاص داده بود. سیدعلی ترک ملقب به امیرالبحر در سفرنامه خود یاد و خاطره آن مجالس را گرامی داشته است. همایون اکثر اوقات فراغت را در کتابخانه شخصی خود در پرانا قلعه (قلعه کهنه) به مطالعه می‌گذراند. در ۱۷ ربیع‌الاول سال ۹۶۳ هـ. هنگامی که همایون برای ادای فریضه مغرب از کتابخانه خارج می‌شد از پله‌ها به زیر افتاد و همان باعث مرگ وی شد. عمارت کتابخانه وی تا کنون در قلعه کهنه موجود است.

• نمایانترین دور رشد فرهنگ و تمدن اسلامی در هند در زمان جلال الدین محمد اکبر (۹۶۳ هـ / ۱۵۶۶ م - ۱۰۱۴ هـ / ۱۶۰۵ م) پسر و جانشین همایون بود. وی هر چند خود در زمینه معارف و فنون اسلامی در مرتبه پدران نبوده لیکن عشق و علاقه‌ای وافر به علوم و فنون مختلف داشت. همچنین وجود بزرگانگی چون ابوالفضل بن مبارک (متوفی: ۱۰۱۱ هـ / ۱۶۰۲ م) و برادرش فیضی (متوفی: ۱۰۰۴ هـ / ۱۵۹۵ م) و ملا فتح الله شیرازی (متوفی: ۹۹۷ هـ / ۱۵۸۸ م)، قاضی نورالله شوشتری شهید ثالث (متوفی: ۱۰۱۹ هـ)، ابوالفتح گیلانی (متوفی: ۹۹۷ هـ / ۱۵۸۹ م)، حکیم

همام (متوفی: ۱۰۰۴ هـ / ۱۵۹۵ م) و عبدالرحیم خانانان (متوفی: ۱۰۳۶ هـ / ۱۶۲۷ م) در دربار وی زمینه را برای توسعه فرهنگ و هنر اسلامی بیش از هر زمان به وجود آورد. اکبر نه تنها کتابخانه اسلافش را وسعت داد بلکه با کاردانی و تشویق وی کتابخانه‌های زیادی توسط وزیران و درباریان تأسیس کرد. عبدالرحیم خانانان کتابخانه‌ای بزرگ تأسیس کرد و از سراسر جهان اسلام علماء، هنرمندان، خطاطان و نقاشان را برای همکاری و رونق کتابخانه دعوت نمود، بهبود میرزا خطاط و برادرش میرعلی خوشنویس و شجاع شیرازی استاد خط ثلث و نسخ، ملا عبدالرحیم هروی ملقب به عنبرین قلم و محمد حسین خطاط هرکدام مدتی در کتابخانه خانانان خدمت کردند. از میان استادان مصور و شبیه‌ساز دو برادر به نام‌های میان‌ندیم و میان‌فهم بودند، که بیشتر کتابها به وسیله این دو تن تزیین می‌گردید. در جلدسازی محمد امین خراسانی عنوان سرپرست را داشت و گروهی با وی همکاری می‌کردند. محمد امین از مشهد به هند مهاجرت کرده و مدت‌ها در خدمت کتابخانه بود و ماهانه برای وی ۴۰۰ روپیه وظیفه مقرر گردیده بود.

سلیمه سلطانه خواهرزاده همایون از بطن گلرخ بیگم شاعره مشهور، کتابخانه‌ای داشت که اکثر نسخ آن از نوادر بود. همچنین از کتابخانه‌های مهم دیگر این دوره کتابخانه منعم‌خان سپهسالار در جونپور، نور جهان بیگم در دهلی و کتابخانه فیضی در فتح‌پور سیکری (اکبرآباد) را می‌توان نام برد. در کتابخانه فیضی علاوه بر تألیفاتش که حدود صدوده جلد بود ۴،۶۰۰ نسخه نادر نگهداری می‌شد. نواب نورالنساء بیگم آنقدر شیفته کتاب بود که دیوان کامران را به قیمت سه مهر طلا خریداری کرد. این نسخه تاکنون در کتابخانه خدابخش پتنا موجود است و بر صفحه اول آن این عبارت درج گردیده: «سه مهر طلا قیمت این خزانه است» نواب نورالنساء بیگم.

در زمان حکومت پادشاهان پس از اکبر چون جهانگیر (۱۰۱۴ هـ / ۱۶۰۵ م - ۱۰۳۷ هـ / ۱۶۲۷ م)، شاهجهان (۱۰۳۷ هـ / ۱۶۲۷ م - ۱۰۶۸ هـ / ۱۶۵۸ م) و اورنگزیب (۱۰۶۸ هـ / ۱۶۵۸ م - ۱۱۱۸ هـ / ۱۷۰۸ م) نیز کتابخانه‌های عمومی و خصوصی تأسیس گردید. جهانگیر در سفرها کتابخانه شخصی را با خود حمل می‌کرد. وی در سفرش به گجرات هنگام ملاقات با علماء و دانشمندان به آنان کتاب هدیه کرد. در زمان حکومت شاهجهان یک سیاح آلمانی به نام جان البرت که در سال ۱۶۳۸ م به هند سفر کرده در سفرنامه خود می‌نویسد که از کتابخانه جهانگیر دیدن کرده و در آن زمان ۲۴،۰۰۰ نسخه از بهترین نسخ با زیباترین جلد در آن کتابخانه را دیده است. شاهزاده دارا شکوه (کشته بسال ۱۰۶۹ هـ / ۱۶۵۹ م) فرزند عالم و عارف شاهجهان که دارای تألیفات ارزنده در عرفان اسلامی است، کتابخانه‌ای بزرگ در دهلی تأسیس کرد که بنای آن تاکنون در ناحیه کشمیری گیت (دروازه کشمیر) در دهلی دیدنی است.

در زمان سلطنت اورنگزیب به علت تعصب شاه به مسائل مذهبی زمینه‌های فقه و تفسیر و حدیث رشد بیشتری داشت. اورنگزیب شبها پس از نافله شب، یا قرآن قرائت می‌کرد و یا به خط

خود قرآن کتابت می‌نمود و هنگام مرگش وصیت کرد که از مبلغ چهارصد و پنج روپیه‌ای که از فروش نسخ قرآنی که به‌خط وی بوده برایش کفن تهیه کنند. اورنگزیب مدتی نزد سید علی تبریزی کتابدار کتابخانه سلطنتی فن کتابداری را آموخت.

دختر اورنگزیب، زیب النساء (متوفی: ۱۱۱۴ هـ / ۱۷۰۲ م) گویا شاعره‌ای خوش ذوق بوده و شعر می‌سروده است و کتابخانه شخصی وی دارای کتب متعدد در زمینه‌های ادبی و اخلاقی بود و به‌امر وی کتابهای زیادی در زمینه معارف اسلامی تألیف و ترجمه گردید از جمله این کتابها، تفسیر کبیر است که امام فخر رازی ملاً صفی‌الدین آن را به فارسی ترجمه کرد و زیب التفسیر نام نهاد. همچنین کتاب انیس الحجاج به‌امر وی تألیف گردید. پس از وفات اورنگزیب دستگاه حکومت مغول به‌علت اختلاف بین فرزندانش روبه ضعف نهاد. از میان پادشاهان این سلسله پس از مرگ اورنگزیب، بهادر شاه، محمد شاه (۱۱۳۱ هـ / ۱۷۱۹ م - ۱۱۶۱ هـ / ۱۷۲۰ م) و شاه عالم ثانی ذوق و شوق علمی و ادبی داشتند.

همزمان با ضعف حکومت مغولها در دهلی به‌سال ۱۲۱۱ هجری سعادت خان برهان‌الملک پس از رفع غائله ایالت اوده<sup>۱</sup> به فرمانداری این منطقه منصوب شد. وی شهر فیض آباد را به‌عنوان مرکز فرمانداری خود قرار داد. برهان‌الملک مردی علم دوست از نژاد ایرانی و از سادات نیشابور بود. اقتدار سعادت خان برهان‌الملک و ضعف دولت مرکزی باعث شد که ایالت اوده به‌صورت یک منطقه خودمختار درآید. با تأسیس حکومت اوده و خاموش شدن چراغ علم و دانش در دهلی ایالت اوده مرکز علما، دانشمندان و مهد علوم و فنون اسلامی گردید. در زمان آصف الدوله سومین نسل از اولاد برهان‌الملک لکهنو به‌عنوان پایتخت اوده برگزیده شد. آصف الدوله مردی عالم و علم دوست بود. وی دارای طبعی ظریف بود و به شعر و ادب فارسی عشق می‌ورزید و به فارسی شعر می‌سرود دیوان اشعارش تاکنون دوبار در هند به چاپ رسیده است. در زمان حکومت آصف الدوله دهها مدرسه و کتابخانه در سراسر ایالت اوده تأسیس گردید و علما و دانشمندان از سراسر هند و جهان اسلام به این منطقه رو آوردند. سید عبداللطیف بن ابی طالب بن نورالدین بن نعمت‌الله الحسینی الموسوی التستری که در سال ۱۱۳۴ هـ. به لکهنو سفر کرده درباره خدمات آصف الدوله در سفرنامه‌اش چنین می‌نویسد:

سه لک<sup>۲</sup> کتب منتخب خوش خط پاکیزه که بر هر صد مجلد یک کس گماشته بود در کتابخانه او دیدم و اکثر را به‌رفاقت خان به تدریج سیر کردم از اقسام فنون و اصناف علوم عربی و فارسی و انگریزی نظم و نثر، تاریخ و دیوان در آنها بود و قطعات زیبا به قلم خوشنویسان اولین و آخرین و تصاویر مصوّران ایران و هند و روم و فرنگ آنقدر داشت که به‌عمری از دیدن آنها فراغ حاصل نمی‌شد. مجلدات بسیاری از کتب علمی به‌نظر درآمدند چون شرایع و مدارک و مسالک و مفاتیح و کشکول و بعض مجلدات بحار الانوار که همه به‌خط مؤلفین بودند از کسی که کتابخانه در

تحويل او بود شنيدم که هفتصد مجلد کتب علمی اند که به خط مصتفین اند و از کتابخانه سلاطین تیموریه بعد از تخریب سلطنت بدست او افتاده اند و الحق آنهمه خزائن و دفائن و اسباب طلا و جواهری که داشت معامله با عشر عشر کتابخانه او نمی کردند.

### کتابخانه های سلطنتی

پادشاهان اوده چون دیگر سلاطین مسلمان هند، عشق و علاقه زیادی به جمع آوری کتاب و تشکیل کتابخانه داشتند و به علما و دانشمندان توجه خاص می نمودند، لذا از سراسر هند و ایران و عراق گروه زیادی از علما و بزرگان و هنرمندان در این ایام متوجه ایالت اوده شدند، توجه شاهان اوده به علوم اسلامی و وجود دانشمندان و علما، زمینه را برای رشد فرهنگ و علوم اسلامی بیش از هر زمان آماده ساخت، و صدها کتاب علمی در زمینه مختلف علوم و فرهنگ اسلامی تألیف و تدوین شد که بسیاری از آنها تا کنون برای جوامع علمی ناشناخته مانده است. در همین ایام کتابخانه های بیشماری در منطقه اوده توسط شاهان، درباریان، بزرگان و علما تأسیس شد و هرکس سعی می کرد کتاب نفیس و نادر را به کتابخانه خود اختصاص دهد، همچنین گروهی از دلآلها شوق شاهان را به کتاب می دانستند برای نزدیک شدن به دربار و گرفتن انعام کتب نفیس و نادر را از گوشه و کنار تهیه و در مراسمی خاص به شاه هدیه می کردند، لذا سهمی از کتابهای کتابخانه شاهان اوده، هدایا و تحفی بود که از اطراف و اکناف به کتابخانه می رسید. از میان پادشاهان اوده راجه علی شاه (۱۲۶۳ هـ / ۱۸۴۷ م - ۱۲۷۱ هـ / ۱۸۵۶ م) استعداد و شوق بیشتری به مباحث علمی و ادبی داشت، تعداد تألیفاتش از نظم و نثر به چهل و شش کتاب و رساله می رسد، کتابخانه سلطنتی در عهد وی دارای ۲۰۰ هزار جلد کتاب در زمینه های مختلف فرهنگ و معارف اسلامی بود، وی در اولین سال حکومت خود دستور داد تا فهرستی از کلیه کتابهای مورد نیاز کتابخانه سلطنتی تهیه شود و پس از تهیه لیست کتب، فرمانی به شرح ذیل صادر کرد.

از کتب فهرست مفصله ذیل هر نسخه که لغایت بیست و چهارم این ماه (ذیعقده) روز پنج شنبه سنه ۱۲۶۳ هجری نزد محمد حسین مهتمم مطبع سلطانی در تکیه شاه فصیح بر مکانش برسد بشرط پسند قیمتش خاطرخواه بایع داده شود.

به دنبال فرمان واجد علیشاه مبنی بر خرید کتب شعرا قطعه هایی در این باره سرودند که از جمله آنها قطعه ای بود که کرامت، علی متخلص به اظهر در ماده تاریخ این فرمان سرود:

پیش هر صاحب معلی شأن  
سیر هر نسخه فرحت انگیز است  
در سن عیسوی بخوان اظهر

اشتهار کتب دلاویز است (۱۸۴۸ م)

با صدور این فرمان صدها نسخه دیگر به مجموعه کتابهای کتابخانه سلطنتی افزوده شد. نکته جالب دیگری که در توسعه کتابخانه‌ها در این ایام مؤثر بود، اهدای کتاب به عروس و داماد بود، طبق رسوم شاهان اوده، همراه با جهیزیه دختران مقداری کتاب به خانه شوهر فرستاده می‌شد، و هرچه خاندان دختر از نظر مالی تمکن بیشتر داشتند تعداد کتب بیشتری که طبعاً پرارزش و نفیس بود به عنوان بخشی از جهیزیه به دختر داده می‌شد و بدین گونه کتابهای زیادی به این منطقه آورده شد. هنگامی که نواب بهویگم از شاهزادگان تیموریه دهلی به عقد وزیرالممالک ایالت اوده تعداد قابل توجهی کتاب نفیس و نادر جزو جهیزیه وی بود، این کتابها پس از مرگ وی به کتابخانه سلطنتی انتقال داده شد.

از طرفی دیگر فتوحات مناطق مختلف توسط پادشاهان و امیران موجب رونق کتابخانه‌ها بود، در سال ۱۱۸۸ هـ / ۱۷۷۴ م نواب شجاع الدوله به روهیله حمله کرد و حافظ رحمت خان والی آنجا را به قتل رسانید، وی از جمله غنایمی را که با خود به لکهنو آورد کتابخانه بزرگ نواب روهیله بود که به کتابخانه سلطنتی سپرده شد.

### محل کتابخانه سلطنتی

کتابخانه سلطنتی، در شهر لکهنو مرکز ایالت اوده در یکی از عمارت‌های شاهی به نام «پرانه دولت خانه» نگهداری می‌شد. این عمارت بین رومی دروازه و پل آهنی که بر روی رودخانه گومتی واقع است قرار داشت و چندین هزار کتاب نفیس و نادر در آن نگهداری می‌شد. در زمان حکومت غازی‌الدین حیدر (۱۸۱۴/۱۸۲۷) تعداد زیادی کتاب خریداری و به کتابخانه اهدا شد، در همین ایام به علت فرسودگی عمارت کتابخانه، کتابها به سه قسمت تقسیم شد، تعدادی از کتابها به یکی از عمارت‌های سلطنتی به نام موتی محل (قصر مروارید) منتقل شد. این عمارت به علت گنبد مروارید شکلی که بر فراز آن بنا شده بود به قصر مروارید مشهور بود. موتی محل در کنار رودخانه بزرگ گومتی و با فاصله کمی از قیصر باغ، محل اقامت واجد علی‌شاه قرار دارد. اشیرینگر از این کتابخانه دیدن کرده و تعداد نسخ خطی موجود در کتابخانه را بیش از سه هزار نسخه ذکر کرده است. این کتابخانه پس از مهاجرت سلیمان شکوه یکی از شاهزادگان تیموریه دهلی، و اقامت در لکهنو رونق بسیار یافت، سلیمان شکوه مردی عالم و صاحب فضل بود و به امر شاه اوده در موتی محل اقامت می‌کرد و در حضور وی مجالس ادبی برپا می‌شد و صدها کتاب و نسخه نفیس به تعداد کتابهای کتابخانه افزوده شد، عمارت موتی محل در باغ وسیعی در کنار رودخانه گومتی وجود دارد و در کنار آن خوابگاه بزرگی جهت اقامت دانشجویان دانشگاه لکهنو بنا شده است. عمارت قدیم تاکنون محل کتابخانه بوده است و دارای چندین هزار کتاب به زبانهای انگلیسی، اردو، عربی، فارسی و پشتو می‌باشد، اما متأسفانه حتی یک نسخه خطی در این

کتابخانه باقی نمانده است همچنین تعداد هزار نسخه از بهترین و نفیس‌ترین نسخ به عمارت فرح بخش منزل انتقال داده شد. این عمارت را سعادت علیخان به مبلغ ۲۵ هزار روپیه از یک تاجر انگلیسی به نام جنرال مارتین خریداری کرده و جزء املاک شاهی قرار داد. سعادت علیخان به بیماری سختی مبتلا شد و دستور داد که وی را به این عمارت ببرند، و چون در این عمارت بهبود یافت نام آن را فرح بخش منزل نهاد. و از آن پس تمام شاهان اوده در این عمارت به تخت نشستند و قصرالسلطان تخت شاهی را در این منزل نصب کردند. نسخی که به این عمارت منتقل شده بود بیشتر به نظر شاه انتخاب شده و از نظر تذهیب و خط و قدامت دارای اهمیت خاص بود.

تعداد قابل توجهی از کتابهای کتابخانه سلطنتی نیز به عمارت توپخانه منتقل شد. این عمارت متصل به بیلی گاردن محل اقامت نمایندگان انگلیسی بود. بعضی از محققان عمارت توپخانه را از ملحقات بیلی گاردن دانسته‌اند در صورتی که این عمارت خارج از محوطه بیلی گاردن قرار داشته و عمارتی قدیمی بوده است، با بنای بیلی گاردن عمارت توپخانه به تصرف انگلیسیها درآمد و طبقه اول این عمارت محل اقامت پاسداران و محافظان بیلی گاردن شد، کتابهای کتابخانه حافظ رحمت خان والی روهیله که نواب شجاع الدوله آن را به غنیمت به لکنه آورده بود در طبقه دوم قرار داشت و تعدادی از کتابهای کتابخانه شاهی نیز به آن افزوده شده بود، توضیح بیشتر این کتابخانه در جای خود خواهد بود.

### سرنوشت کتابخانه‌های اوده

کتابخانه‌های بزرگ و گنجینه‌های پرارزش ایالت اوده که از معتبرترین و پرشکوه‌ترین کتابخانه‌های شبه قاره هند در آن عصر بشمار می‌آمد، با ضعف حکومت شاهان اوده و نفوذ گسترده انگلیس بر این منطقه در اندک زمانی درهم پیچیده شد و کتابها و نسخ نفیس و نادریا به یغما رفت و یا در اثر عدم توجه طعمه موریانه‌ها شد و هزاران نسخه بصورت کاغذهای باطله به دکانداران سپرده شد و با پرچیده شدن نظام شاهان اوده کتابخانه‌ها نیز به ویرانه تبدیل شد.

علل نابودی کتابخانه‌های اوده و متفرق شدن کتابها سؤالی است که همیشه در تاریخ پس از این واقعه وجود داشته است و مستشرقین در این باره نظریاتی ابراز داشته‌اند، سرجان استریچی مستشرق معروف تاریخ اوده معتقد بود که پس از خلع واجد علیشاه و تبعید وی (۱۸۵۷ م) به کلکته و سلطه انگلیسیها بر این ایالت کتابها به علت عدم توجه تلف شد.

اما از اسناد و مدارک تاریخی استنباط می‌شود که سالها قبل از واقعه ۱۸۵۷ م توطئه‌های زیادی در راه دستیابی به کتابخانه‌های اوده توسط ایادی انگلیس وجود داشته است. چه در حقیقت سالها قبل از خلع واجد علیشاه آخرین فرمانروای اوده ۱۸۵۷ م انگلیسیها تسلط کامل بر سراسر فرمانروایی اوده داشتند و شاهان با قدرت انگلیسیها به حکومت می‌رسیدند، همچنین غزل و نصبها



بدست ایشان بود و شاه هیچ گونه اختیاری از خود در امور مملکت نداشت. در زمانی که لکهنو و شهرهای تابع آن در تب حملات پی‌در پی انگلیسیها می‌سوخت و شعله‌های اختلاف و نفاق زبانه کشیده بود گروهی منفعت طلب که به تسلط انگلیسیها بر ایالت اوده یقین داشتند و از عمال و سرسپردگان دولت انگلیس بودند، خارجیان را در مقاصدشان یاری می‌کردند به امید آنکه پس از تسلط کامل انگلیس بتوانند مقام و موقعیت خود را حفظ کنند. در اواخر دوران حکومت واجد علیشاه که عملاً تمام امور بدست نمایندگان دولت انگلیس اداره می‌شد گروهی از مستشرقین از طرف نایب السلطنه انگلیس در هند برای بررسی اوضاع مسلمانان و کتابخانه‌ها انتخاب و به لکهنو اعزام شدند.

سر هنری ایلیت رئیس دفتر نایب السلطنه انگلیس در هند یکی از این افراد بود. وی مأمور شد تا کتابی درباره تاریخ اسلامی در هند تألیف کند. این کار به پیشنهاد دکتر اشپیرینگر در سال ۱۸۴۸ میلادی شروع شد. دکتر ایلیت برای این کار مأموریت یافت تا به اکثر شهرهای هند سفر کند. وی در این سفرها از موقعیت و مقام خود استفاده می‌کرد و به هر شهر، روستا و قصبه‌ای که وارد می‌شد توسط بزرگان و صاحب‌منصبان محل به خاطر مقام و موقعیتش مورد احترام قرار می‌گرفت و به آسانی می‌توانست از تمام کتابخانه‌ها و گنجینه‌های اسلامی بدون هیچ گونه مشکلی دیدن کند و کتابهای مورد نیاز را به آسانی بدست بیاورد. دکتر ایلیت در دوران مسافرت‌های خود صدها کتاب نفیس و نادری را بدست آورد که بیشتر آنها را تحف و هدایا تشکیل می‌دادند. وی اگر به کتابی برخورد می‌کرد که مورد نظرش بود به زور یا به مبلغ ناچیزی آن را بدست می‌آورد.

دکتر ایلیت در یکم می ۱۸۴۷ م از طریق فرمانده نظامی انگلیس در هند به واجد علیشاه معرفی شد. واجد علیشاه از وسعت معلومات و تبحر وی در علوم اسلامی مسرور شد و به وی اجازه داد تا از کتابخانه سلطنتی و دیگر کتابخانه‌های لکهنو دیدن کند. دکتر ایلیت مدت یک هفته تمام کتابخانه‌ها را بررسی کرد و از میان هزاران نسخه نفیس و نادر آنچه را می‌خواست انتخاب کرد و شاه که تحت تأثیر وی قرار گرفته بود کتابهای منتخب را به وی بخشید، همچنین ایلیت در مدت اقامتش در این شهر با میرزا وصی علی‌خان طرح دوستی ریخت، وی مشاور نخست وزیر حکومت اوده بود، اما به علت اختلافی که بین وی و بعضی از مأموران انگلیس بوجود آمده بود به توصیه فرمانده انگلیس در لکهنو از منصب خود خلع شده بود. لذا برای جلب توجه عمال انگلیس و دست یافتن به منصب از دست رفته‌اش درب کتابخانه‌ها را به زور برای ایلیت گشود و تا آنجایی که دکتر ایلیت فرصت داشت و می‌توانست از کتابهای نفیس انتخاب کرد و با خود برد. در کتابخانه سلطنتی تعدادی کتاب انتخاب کرد و توسط میرزا وصی علی‌خان از کتابخانه خارج کرد و برای آنکه دیگران متوجه نشوند و نیز از شمار کتابها کاسته نشود به همان اندازه کتاب بی‌ارزش و معمولی را به کتابهای مسروقه جای دادند و این بغیر از کتابهایی بود که واجد علیشاه به دکتر ایلیت

هدیه کرده بود. خدمات میرزا وصی علی‌خان به دکتر ایلیت باعث شد که دوباره به مقام خود منصوب شود.

یکی دیگر از کتابخانه‌هایی که توسط میرزا وصی علی‌خان در اختیار دکتر ایلیت قرار گرفت کتابخانه «قلعه مچلی بمون» بود این کتابخانه متعلق به یکی از شاهزادگان اوده بود که پس از وفاتش تعطیل شده و مورد توجه نبود، مدیر کتابخانه که اوضاع را آشفته می‌دید کلیه نسخ نفیس را از کتابخانه خارج کرد و به شخصی به نام میرزا محمدجعفر (۱۲۳۰ هـ / ۱۸۱۴ م) فروخت. پس از فوت میرزا محمدجعفر کتابخانه بدست فرزندش میرزا محسن افتاد. با سعایت معتمدالدوله میرزا محسن دستگیر و به زندان انداخته شد، در مدتی که وی در زندان بسر می‌برد به علت عدم توجه تعداد زیادی از کتابها طعمه موربانه‌ها شد. و از آن پس نیز توجه خاصی به این کتابخانه نشد تا اینکه پس از مرگ میرزا محسن برادرزاده اش میرزا محمد کتابخانه را به علی نقی‌خان نخست وزیر وقت به چندین هزار روپیه فروخت، و کلیه کتابها توسط میرزا وصی علی‌خان به دکتر ایلیت هدیه شد. به هر حال دکتر ایلیت به طرق مختلف و با استفاده از مقام و موقعیت خود توانست چندین هزار نسخه و رساله را با خود به انگلستان حمل کند. وی کلیه نسخ را تحویل موزه بریتانیا داد. در فهرست چارلس ریو که در سه جلد تنظیم شده بیشتر به کتابهایی برخورد می‌کنیم که مهر شاهان اوده و امضای دکتر ایلیت بر آنها ثبت شده است.

دکتر اشپرینگر در مقاله‌ای که راجع به مخطوطات تاریخی ایلیت در سال ۱۸۵۴ م نوشته به گوشه‌ای از کتابهایی که دکتر ایلیت با خود به انگلستان برد اشاره می‌کند.

از شرق‌شناسان دیگری که قبل از برچیده شدن نظام حکومت شاهان اوده توسط انگلیسیها برای بررسی کتابخانه‌های اوده به این ایالت فرستاده شد، دکتر اشپرینگر بود. وی اصلاً اهل استرالیا بود که به علت تبحر در علوم شرقی به خدمت انگلیسیها درآمد و به عنوان فهرست‌نگار کتابخانه‌های اوده به لکهنو فرستاده شد، وی در کارش موفق‌تر از دکتر ایلیت بود زیرا در عرض کمتر از دو سال بیش از ده هزار نسخه را بررسی و فهرست کرد. و آنچه از نسخ مهمی که در منطقه اوده بود را شناسایی و قسمتی از آنها را به انگلیسیها داد و تعدادی را با خود به آلمان برد. هر چند وی در مدت اقامتش در لکهنو فهرست نسخ خطی کتابخانه‌های سلطنتی اوده را تهیه و تنظیم کرد و گروهی این کار وی را خدمت به مسلمانان و علوم اسلامی دانسته‌اند، اما وی زیرک‌تر از آن بود که آنچه را که در کتابخانه‌ها مشاهده کرد ضبط کند، تا دیگران از اسرار کار وی آگاه شوند، وی همچنان که در استخدام انگلیسیها بود و برای آنان کار می‌کرد تعداد زیادی از نسخ نفیس و نادر را از چشم انگلیسیها دور نگه داشت و به کشورش آلمان برد. در فهرست‌نگاری نیز همین شیوه را بکار گرفت وی پس از آنکه فهرست ده هزار نسخه از کتابخانه‌های اوده را آماده کرد آن را در چهار مجلد تنظیم کرد و جلد اول آن را در دو بخش کتابهای فارسی و اردو در هند به چاپ رسانید. و از

سرنوشت سه مجلد دیگر اطلاعی در دست نیست و من معتقدم که وی فهرستها را با خود به آلمان برد و هیچ‌گاه قصد انتشار آن را نداشت.

باتوجه به مطالب بالا، معلوم می‌شود که سالها قبل از زوال سلسله شاهان اوده کتابخانه‌ها مورد طمع عمال انگلیس بوده است. در سال ۱۸۵۷ میلادی واجد علیشاه آخرین پادشاه اوده بدست انگلیسیها از سلطنت خلع و به کلکته تبعید شد و دولت اوده رسماً جزء متصرفات انگلیس درآمد. با تسلط انگلیسیها بر ایالت اوده و قتل و غارت مردم بی‌گناه شهرها که انگلیسیها آن را ایام غدر نامیدند<sup>۱</sup>، کتابخانه‌ها نیز چون دیگر اموال مسلمین دستخوش حوادث شد. با برکناری مسؤولان و مدیران کتابخانه‌ها و روی کار آمدن افراد نالایق موجبات بی‌نظمی در کتابخانه‌ها فراهم آمد و تعداد بیشماری از کتب به علت بی‌توجهی، فقر و یا اغراض ددمنشانه عمال انگلیس با علوم و فرهنگ اسلامی تلف شد. اشپرنگر شرق‌شناس و فهرست‌نگار نسخه‌های خطی کتابخانه شاهان اوده در سفرنامه خود می‌نویسد که مدیر کتابخانه شاهی تعدادی از نسخ نفیس و کمیاب را به قیمت یازده هزار روپیه فروخت و هزینه عروسی دخترش را از این راه تأمین کرد. میرزا محمدنصیر در روزنامه خود می‌نویسد: «من و برادرم نظام‌الدین در یازدهم و دوازدهم آوریل سال ۱۸۵۸ وارد شهر لکهنو شدیم و در نزدیکی حویلی روشن‌الدوله در یک منزل اقامت گزیدیم. در خانه مخروبه‌ای که ما در آن اقامت داشتیم صدها نسخه قیمتی و اسناد پرارزش بصورت انباری در گوشه‌ای ریخته بود که از وقایع سال ۱۸۵۷ بجای مانده بود. همچنین در قیصرالتواریخ آمده است که در این ایام در کنار کوچه‌ها و معابر کتابهای زیادی دیده می‌شد که بصورت کاغذهای باطله از خانه‌ها بیرون می‌ریختند و یا به دکاندارها برای بسته‌بندی کالا به قیمت ناچیز فروخته می‌شد. علامه خامه‌حسین نیشابوری در شرح حال خود می‌نویسد که من به کتابی در تدوین عیقات الانوار احتیاج داشتم و سالها در پی تهیه آن بودم و به تمام دوستانم در کشورهای دیگر برای تهیه آن سفارش کرده و نامه‌ها نوشته بودم تا آنکه خادم خانه روزی برای خرید به دکان بقال رفته بود و جنس آورده شده در کاغذی بود که نظر مرا جلب کرد چون به کاغذ نظر افکندم و بعضی از مطالب کتاب مورد نظر در ذهنم بود دریافتم که این ورقی از همان کتاب است. خادم را فرستادم و تمام کتاب را به قیمتی ناچیز برایم خریداری کرد.

مسیح‌الدین خان کاکوری که همراه مادر و برادر واجد علیشاه برای اعاده حق حکومت به واجد علیشاه در لندن بسر میبرد، درباره مظلومی که عمال انگلیسی بر پادشاهان اوده روا داشتند کتابی به چاپ رسانید. از جمله نکاتی که وی به آن اشاره کرد مسأله کتابخانه سلطنتی بود که

۱- در سال ۱۸۵۷ هندیها علیه حکومت بریتانیا قیام کردند، انگلیسیها این قیام را که بر ضد منافع آنان بود «ایام غدر» (mutiny) خواندند.

فرماندهان انگلیسی تعداد زیادی از کتابها را با خود بردند و بسیاری از کتابها به علت عدم توجه مقامات مذکور تلف گردید.

از نامه‌ای که حسام الدوله وکیل امور سلطنتی پس از تبعید واجد علیشاه به معاون فرمانده نظامی انگلیس در لکهنو نوشته است، سرنوشت کتابخانه و عناد سردمداران انگلیسی نسبت به مراکز اسلامی معلوم می‌شود.

حسام الدوله در نامه مورخ ۱۴ اوت ۱۸۵۶ میلادی به فرمانده نظامی انگلیسی در لکهنو نوشت که صحت الدوله امروز به من اطلاع داد که کاپیتان فلیچر بر حسب حکم شما به کتابخانه سلطنتی در فرج بخش منزل رجوع کرده و می‌خواسته است که کتابها را به محل اقامت جنرال مارتین انتقال دهد. به اطلاع می‌رساند که چون این کتابها متعلق به دولت اعلیحضرت پادشاه اوده می‌باشد من در این امر نمی‌توانم از پیش خود نظری داشته باشم. اما چون میان دو دولت کمپانی هند شرقی و دولت ابد قرین اوده دوستی و تفاهم وجود دارد لذا مانع از مطالعه و بازدید کتابخانه برای شما نخواهیم بود.

چون نامه حسام الدوله به معاون فرمانده نظامی انگلیس در لکهنو رسید خشمگین شد و در نوزدهم همان ماه نامه‌ای در جواب نامه حسام الدوله بدین مضمون برای وی فرستاده شد. در مورد تمرّد از حکم فرستاده ما و عدم تحویل کتابخانه سلطنتی به مأمورین و انتقال کتابها به محل اقامت مارتین، مقام فرمانده از تو خشمگین گشته و این پیغامت برای یک افسر عالی‌رتبه بسیار نامناسب بوده و تو منزلت و مقام خود را نگاه نداشتی و ما در آینده به تو اجازه نخواهیم داد تا در امور سیاسی دخالت کنی، در مورد اعتماد شاه اوده به تو و مشاورت با شما در کارهای خود امری است شخصی، اما از این پس حق دخالت در امور عامه را نخواهی داشت و نباید از اوامر افسران انگلیسی سرپیچی کنی و به خاطر داشته باش که تونیزیکی از خدمتگزاران کمپانی هند شرق می‌باشی.

به هر حال با ارسال یکی دو نامه دیگر از طرف معاون فرمانده نظامی انگلیس به متصدی کتابخانه مبنی بر اینکه کتابها به علت عدم رعایت و نبودن امکانات جهت تحفظ آنها از طرف پادشاه تبعیدی اوده در معرض تلف می‌باشد، مدیر کتابخانه مجبور به تحویل کلیه کتابها گردید. پس از انتقال کتابها به محل اقامت مارتین سرنوشت آنها را از کتاب قیصر التواریخ نقل می‌کنیم:

پس از تبعید واجد علیشاه به کلکته یکروز فرمانده جدید نظامی انگلیس در لکهنو از کتابخانه سلطنتی دیدن کرد، کتابها بدون نظم و ترتیب روی زمین ریخته شده بود، فرمانده علت آن را از مسوول کتابخانه سؤال کرد. مفتاح الدوله در پاسخ گفت: میجر کارینگی (یکی از افسران انگلیس) یک روز دستور داد تا تمام کتابها را از قفسه‌ها بیرون بریزید سپس دستور داد که مأمورین کتابخانه، کتابها را به ترتیب گذشته در جاهای خود قرار دهند. به وی گفته شد که کتابخانه در طول چندین سال و با صرف هزاران روپیه تنظیم و ترتیب گردیده و ترتیب دوباره آنها با وضع فعلی

امکان پذیر نیست. این عمل آنقدر برای یک فرمانده انگلیسی بی اهمیت بود که با بی اعتنائی گفت کارینگی نباید تا این اندازه عناد می ورزید!

منشی ظهیرالدین در شرح حال خود می نویسد که من برای یک امر تحقیقی در زمان تبعید شاه نامه ای به وی نوشتم و تقاضای کتابی را از کتابخانه سلطنتی نمودم واجد علیشاه در پاسخ نامه من چنین نوشت:

تألیفات و تصنیفات عمده را سیل غارت یاغیان همچو خس و خاشاک در امواج تاراج چنان غرق ساخته که اثر حرفی از آنها باقی نیست

هنگامی که علامه فقید شیخ عبدالحسین امینی (متوفی: ۱۳۹۰ هـ) برای چهار ماه از کتابخانه های هند دیدن کرد چنان مشغول مطالعه کتب بود که هنگام بازگشت به نجف اشرف طالب علمی درباره آب و هوای گرم و سوزان هند از ایشان سؤال کرد. ایشان فرمودند: من در این مدت توجهی به آب و هوا و این گونه مسائل نداشتم. در یادداشت هایی که از این عالم بزرگ بجای مانده ارزش کتابخانه ها و اظهار تأسف ایشان از وضع اسف بار آنها معلوم می شود. این مرد بزرگ تا آنجایی که ممکن بود از کتب نفیس استفاده و در بعضی از موارد از نسخ نادر استنساخ کرد زیرا وی از آینده اسف بار این کتابخانه ها بخوبی مطلع بود. علامه امینی در سفرنامه خود آماري از کتابخانه های هند را که مشاهده کرده آورده است و آمار کتابخانه لکهنو بشرح ذیل است:

- |                            |                                  |
|----------------------------|----------------------------------|
| ۱. کتابخانه ناصریه         | ۳۰,۰۰۰ با نسخ خطی فراوان         |
| ۲. کتابخانه مدرسه الواعظین | ۲۰,۰۰۰ نسخه با مقداری خطی نفیس   |
| ۳. کتابخانه سلطان المدارس  | ۵,۰۰۰ با مقداری خطی منحصر به فرد |
| ۴. کتابخانه ممتاز العلماء  | ۱۸,۰۰۰ بسیاری از این تعداد خطی   |
| ۵. کتابخانه فرنگی محل      | ۹,۰۰۰ با ۴,۰۰۰ خطی               |
| ۶. کتابخانه ندوة العلماء   | حدود ۶۰,۰۰۰ با ۵,۵۰۰ خطی         |
| ۷. کتابخانه امیرالدوله     | بیش از ۱۱۰,۰۰۰                   |

### کتابخانه نواب روهيله:

در زمان سلطنت محمد شاه تیموری در دهلی منطقه روهيله به دست یکی از نوابان به نام حافظ رحمت الله خان اداره می شد. وی مردی شجاع و صاحب علم و کمال بود و در زمان صدارت خود مدارس بزرگی در این شهر بنا کرد. حافظ رحمت الله خان از ارادتمندان به خاندان پیامبر بود و به علماء، سادات و دانشمندان احترام خاص می نمود. در سال ۱۱۸۸ هـ / ۱۷۷۴ م نواب شجاع الدوله به روهيله حمله کرد و حافظ رحمت خان را به قتل رسانید. وی از جمله غنائمی را که با خود به لکهنو حمل کرد کتابخانه بزرگ نواب روهيله بود. پس از حمل کتابخانه به لکهنو مدتی

کتابها در کتابخانه سلطنتی بود و سپس عمارتی برای حفاظت آنها در محله توپخانه در نظر گرفته شد. عمارت کتابخانه از ملحقات رزیدنسی مشهور به بیلی گاردن محل اقامت فرماندهان و سفیران انگلیس بود. کتابخانه در طبقه دوم این عمارت قرار داشت لذا توجه خاصی به کتابها نمی‌گردید. اشپرینگر درباره این کتابخانه می‌نویسد که تمام کتابها در صندوقهای بدون حفاظ قرار داده شده و مجموعه این صندوقها به چهل می‌رسد. تالار کتابخانه مخزن موشها و حشرات موزی است و اگر کسی بخواهد وارد کتابخانه شود حتماً باید چوب دستی همراه داشته باشد تا از گزند موشها و حشرات دیگر در امان بماند. در آخر تالاری که کتابها در آن قرار دارد صندوقهایی دیده می‌شود که کلیه کتابهای آن را موریانه‌ها تلف کرده‌اند از جمله این کتابها تاج اللغات و هفت قلمز می‌باشد که بطور کامل از بین رفته است. در لابلای کتابهای این ذخیره بزرگ نسخه‌هایی به زبان پشتو وجود دارد که برای سرداران روهیله با توجه خاصی کتابت و تزئین شده است. متأسفانه مقامات دولتی بیشتر توجه به تعداد کتابها دارند و لذا از ارزش نسخ نادر و نفیس بی‌اطلاع می‌باشند لذا متصدیان کتابخانه از این غفلت استفاده کرده و کتابهای ذیقیمت را می‌فروشتند و بجای آن نسخه‌های بی‌ارزش را قرار می‌دهند. بطور مثال در حدود صد نسخه گلستان و یوسف و زلیخا در این کتابخانه وجود دارد که جایگزین کتابهای نفیس و نادر گردیده است. معرفی کتب نفیس این کتابخانه را اشپرینگر ضمن سه گزارش در مدت اقامت خود در لکهنوبرای انگلیسها ارسال داشته است. هر چند اکنون از عمارت کتابخانه و کتابها چیزی باقی مانده است اما می‌توان حدس زد که سهمی از کتابها همچنانکه اشپرینگر اشاره کرده دستخوش حوادث ایام و طعمه موریانه‌ها شده و آنچه از نسخ نفیس در لابلای کتب موجود بود به انگلستان منتقل شده است. باید توجه داشت که چون کتابخانه توپخانه از شعب کتابخانه سلطنتی اوده به شمار می‌آمده دارای مهر خاصی نبوده است، لذا در میان کتابهای باقی مانده از کتابخانه‌های اوده تشخیص نسخه‌هایی که مربوط به کتابخانه توپخانه است به آسانی ممکن نیست. مگر آنکه مهر نوابان روهیله بر آنها ثبت شده باشد و من در میان نسخه‌هایی که مهر شاهان اوده بر آنها ثبت شده و از نظرم گذشته به چنین مهرهایی برخورد نکردم.

### کتابخانه فرنگی محل:

شیخ علاءالدین معروف به قطب عالم یکی از علمای بزرگ هرات بود که در اواخر حکومت سلاطین تغلق در دهلی به هند مهاجرت کرد و در نواحی دهلی مسکن گزید. از فرزندان وی شیخ الاسلام نظام‌الدین بود که پس از مرگ پدر برای تبلیغ به دهکده سهالی در اطراف بارابنکی هجرت کرد و تا پایان عمر در آن دهکده باقی ماند و همانجا وفات نمود. از اولاد وی ملا قطب‌الدین در علم و فضل شهرتی بسزا یافت و چنان بود که پادشاه مغول تقاضای ملاقات با وی را

داشت. وی به دست یکی از دشمنان خود به قتل رسید و فرزندانش پس از شهادت پدر به لکهنو مهاجرت کردند. اورنگزیب پادشاه مغول برای دلداری فرزندان ملا قطب‌الدین دو فرزندش ملا محمد سعید و ملا محمد اسعد را همراه با لشکر خود به برهانپور برد و ملا نظام‌الدین فرزند دیگر وی در لکهنو باقی ماند و شاه به خاطر قدردانی از ملا قطب‌الدین، فرنگی محل، عمارتی را که قبلاً تاجران خارجی در آن اقامت می‌کردند را به ملا نظام‌الدین بخشید. ملا نظام‌الدین چون پدران خود مردی عالم و صاحب فضل بود و به استادالهند مشهور گردید وی خانه خود را تبدیل به مدرسه علوم دینی کرد و پس از مدتی فرنگی محل به عنوان یکی از بزرگترین مدارس علوم دینی هند درآمد. در این مدرسه بر خلاف مدارس دینی دیگر که متعلق به فرقه و یا مذهب خاصی بود. دانشجویان تمام فرق و مذاهب اسلامی تحصیل می‌نمودند چنانکه سید دلدار علی اولین مجتهد شیعه اوده دروس مقدماتی را نزد اساتید این مدرسه به پایان برد و سپس عازم نجف اشرف شد و بعدها توسط وی و به امر نواب آصف لدوله اولین نماز جمعه شیعیان به امامت ایشان در لکهنو برگزار گردید و شاگردانی چون مفتی محمدقلی و مفتی میر محمد عباس را پرورش داد.

ملا نظام‌الدین برای تکمیل حدیسه خود در یکی از حجرات مدرسه کتابخانه‌ای تأسیس کرد اما اطلاع صحیحی از سال تأسیس و تعداد کتابهای آن در دست نیست لیکن این قدر معلوم است که جانشینان وی کتابخانه را وسعت دادند و بر تعداد کتابها افزودند. بطوری که کتابخانه بصورت یکی از مراجع علمی لکهنو درآمد. مولوی سید عبدالحی حسنی صاحب کتاب نزهة الخواطر از کتابخانه فرنگی محل استفاده نموده و آنرا بعنوان یکی از معتبرترین کتابخانه‌های شهر لکهنو یاد کرده است. اما بعدها به علت آفات گوناگون از جمله تعطیل شدن مدرسه فرنگی محل مقدار قابل توجهی از کتابها تلف شد. هر چند امروزه از مدرسه فرنگی محل، جز نام، چیزی باقی نمانده است اما کتابخانه به عمارت یوسفی پرس منتقل شده است. کتابخانه نیز به علت فقدان اهل علم در این شهر مورد توجه نبوده و اکثر نسخ خطی طعمه موربانه شده است. در گذشته اگر اهل علمی از این شهر گذر می‌کرد و با نام فرنگی محل آشنا بود سراغی از کتابخانه می‌گرفت و دربهای بسته کتابخانه بروی وی باز می‌شد. علامه فقید شیخ عبدالحسین امینی در مدت اقامت خود در این شهر از کتابخانه استفاده کرده و تعداد کتابهای موجود در کتابخانه را ۴،۰۰۰ نسخه دانسته است. در سالهای اخیر به علت اختلاف بین فرزندان خاندان فرنگی محل و مهاجرت گروهی از ایشان به پاکستان بسیاری از کتابها به فروش رفته و قسمتی از آن، به کتابخانه آزاد دانشگاه اسلامی علیگر منتقل شده و آنچه از کتابها بجای مانده در همان عمارت است و کلید کتابخانه در دست یکی از افراد خاندان فرنگی محل می‌باشد که در پاکستان اقامت دارد. به هر حال این کتابخانه نیز مسیری را طی می‌کند که دیگر میراث علمی و فرهنگی اسلامی در سالهای اخیر داشته‌اند.

### کتابخانه ندوة العلماء:

در سال ۱۸۹۴ میلادی مدرسه‌ای در کنار رودخانه گومتی به نام ندوة العلماء در شهر لکهنو تأسیس گردید، بانی این مدرسه جمعی از علما و دانشمندان اسلامی بودند. هدف از بنای این مدرسه آگاه کردن جوانان مسلمانان با معارف اسلامی و تربیت و تعلیم نوجوانان مسلمان بود. مولانا ابوالکلام آزاد اولین وزیر معارف هند در یک بیانیه هدف از تأسیس مدرسه را چنین بیان می‌کند:

هدف از تأسیس ندوة العلماء آگاه کردن مسلمانان با معارف اسلامی و تعلیم و تربیت گروهی از جوانان با علوم مختلف اسلام است. همچنین تأسیس کتابخانه‌ای بزرگ برای استفاده محققین و طالبان علم میباشد تا جویندگان حقیقت بتوانند به آسانی از مدارک و کتابهای اسلامی استفاده کنند.

حدود دوازده سال پس از تأسیس مدرسه ندوة العلماء در اولین نشست علما و مدرسین ندوة العلماء در شهر شاهجهانپور (ایالت یوپی) راجع به بنیاد کتابخانه که از اهداف مؤسسين ندوه بود بحث گردید. در همین نشست مولوی عبدالرزاق یکی از بزرگان شهر شاهجهانپور کتابخانه شخصی خود را که شامل سه هزار نسخه خطی بود به مدرسه ندوة العلماء اهداء کرد. در نشست دیگر علما و مدرسین مدرسه ندوة العلماء که در شهر پتنا منعقد گردید، مولوی عبدالعظیم تعداد دوست کتاب خطی به کتابخانه ندوه اهدا کرد. همچنین مولوی عبدالغنی نیز تعداد صد جلد کتاب ادبی و تاریخی وقف کتابخانه کرد. بانیان مدرسه برای حفظ کتابها و پایه گذاری کتابخانه در یکی از محلات لکهنوبه نام گولاگنج ساختمانی را در نظر گرفتند و کتابها به آن محل منتقل شد، همزمان با تأسیس کتابخانه تعداد زیادی کتابهای خطی و چاپی دیگر از شهرهای مختلف هند به کتابخانه اهدا گردید که از جمله کتابخانه نواب عالمگیر محمد خان والی بهوپال، کتابخانه سید حمیدالدین از پتنا و تعدادی از کتابهای کتابخانه مولوی محمد یحیی خانی از لکهنو و کتابهای سید احسن شاه بود.

همچنین گروهی از علما و بزرگان چون نواب صدیق حسن خان، نواب نورالحسن خان، نواب نجم الحسن خان قنوجی، واجد علی صاحب، سید عبدالجلیل صاحب، علامه شبلی نعمانی و سید عبدالحی حسنی ندوی مدیر ندوة العلماء کتابخانه‌های شخصی خود را وقف این کتابخانه کردند، تعداد کتابهای اهدایی به کتابخانه ندوة العلماء تا سال ۱۹۷۳ م به ۶۲ هزار نسخه خطی و چاپی رسید، در سال ۱۹۷۴ میلادی تالار مدرسه ندوة العلماء برای کتابخانه در نظر گرفته شده و کتابخانه با اشاره مولوی سید سلیمان ندوی از محله گولاگنج به مدرسه انتقال داده شد، پس از انتقال کتابخانه به مدرسه کتابهای درسی طلاب نیز به کتابخانه اضافه شد و سالن اصلی مدرسه به



عنوان دارالمطالعه برگزیده شد. مخازن کتاب در طبقه دوم و اتاقهای اطراف طبقه اول به ترتیب موضوع جای داده شد، همچنین فهرست جدیدی برای تمام کتابها به سبک قدیم در دفاتر تهیه گردید.

در سال ۱۹۰۶ میلادی مولانا ابوالکلام آزاد مقاله‌ای درباره نوادر نسخ کتابخانه ندوة العلماء نوشت و در آن مقاله به معرفی چند نسخه به شرح ذیل پرداخت:

یعقوب کندی حکیم مشهور بامون الرشید بود، وی اولین کسی است که در اسلام به فیلسوف بزرگ لقب یافت، مجموعه رسائل این حکیم بزرگ در کتابخانه ندوة العلماء موجود است، همچنین مدینه العلوم ارنیقی، تذکره هفت اقلیم امین رازی، دو کتاب دیگر قابل ذکر در این مجموعه است، درباره اهمیت مدینه العلوم همین قدر کافی است که کشف الظنون که از بهترین فهرستهای اسلامی است، در اکثر موارد از این کتاب استفاده کرده، همچنین تذکره هفت اقلیم که از بهترین تذکره‌های شعرای فارسی است نسخه‌ای از آن در دارالعلوم موجود است و تاکنون به زیور طبع آراسته نشده است.<sup>۲</sup>

بسیاری از کتابهایی که در دوره اکبر پادشاه بزرگ مغول ترجمه شده و تاکنون به چاپ نرسیده زینت بخش این کتابخانه است، از کتابهای دوره شاهجهان نیز که از سنسکریت به فارسی ترجمه شده کتابی در علم موسیقی در کتابخانه وجود دارد، از نوادر نسخ دیگر کتابخانه، جواهر القرآن از تصنیفات امام محمد غزالی است هر چند این کتاب تاکنون چندین بار به چاپ رسیده لیکن ناقص چاپ شده و نسخه کامل آن با خط خوش در کتابخانه موجود است، قاموس اللغة نسخه دیگری از کتابهای نفیس است که مهر اکثر پادشاهان مغول بر آن ثبت است.

این مقاله را زمانی مولانا ابوالکلام آزاد نوشته بود که تنها چند سال از تأسیس کتابخانه می‌گذشت و تعداد کتابها بیش از چهار هزار نسخه نبود، و اکنون این کتابخانه دارای بیش از صد و ده هزار کتاب چاپی و قلمی می‌باشد. در سال ۱۹۸۴ میلادی عمارتی در دارالندوة العلماء جهت کتابخانه با اسلوب جدید بنا گردید، این عمارت دارای سه هال بزرگ جهت مطالعه و کنفرانس و در اطراف هر طبقه مخازن کتاب قرار دارد، طبقه اول و دوم متعلق به کتابهای چاپی است و طبقه سوم مخزن مخصوص کتب خطی است که مجموع آن در حدود چهار هزار و پانصد نسخه می‌باشد و کتب خطی در وضعیت نسبتاً خوبی قرار دارند. تعداد نسخه‌های خطی عربی این کتابخانه ۲۲۲۷ و تعداد نسخه‌های خطی فارسی و اردوی آن بیش از دو هزار می‌باشد، مخطوطات اردو نسبت به عربی و فارسی بسیار کم است، لیکن نسخه‌های خطی اردو دارای ارزش و قدمت می‌باشند، از

۲- تذکره هفت اقلیم تاکنون سه مرتبه چاپ شده است. اولین مرتبه از کلکته ج ۱ در سال ۱۹۱۸ م، ج ۲ در سال ۱۹۲۷ م، ج ۳ در سال ۱۹۳۹، در سال ۱۳۴۰ ش ق از کتبخروشی ادبیه، ناصر خسرو تهران و مرتبه دیگر به اهتمام دکتر اسحاق در کلکته به چاپ رسید.

جمله دیوانهایی که به زبان اردو در این کتابخانه وجود دارد، دیوان منتظر، شاگرد شاعر بزرگ فارسی و اردو، مصحفی است، این تنها نسخه موجود از دیوان منتظر می‌باشد و تاکنون به چاپ نرسیده است، علاوه بر دیوان منتظر، دواوین دیگری از شعرای مشهور، چون سودا، برهمن، صبا، مصحفی، شاهنامه اردو، و دیوان شیدا زینت بخش این کتابخانه می‌باشد.

فهرست برداری نسخه‌های خطی عربی و فارسی این کتابخانه از اوائل سال ۱۳۶۴ هـ ش توسط مرکز تحقیقات زبان فارسی در مند شروع و در سال ۱۳۶۵ هـ ش کار فهرست برداری به پایان رسید، فهرستها در دو جلد نسخه‌های خطی عربی ندوة العلماء در ۸۸۵ صفحه و نسخه‌های فارسی ندوة العلماء در ۹۰۰ صفحه در همین سال در دهلی نوبچاپ رسید.

### کتابخانه جنت مآب سید محمد تقی ممتاز العلماء:

از میان کتابخانه‌های بزرگی که در اواخر سلطنت فرمانروایان اوده در لکهنو تأسیس گردید، دو کتابخانه مجتهدین این شهر علامه حامد حسین نیشابوری و کتابخانه ممتاز العلماء سید تقی بود، سید محمد تقی فرزند سید حسین سید العلماء در سال ۱۲۳۴ هـ در شهر لکهنوتولد و علوم اسلامی را نزد پدر و عموی خود سید محمد سلطان العلماء قرائت کرد. وی در سن ۲۸ سالگی به مرتبه اجتهاد نائل آمد و از پدر و عموی خود اجازه دریافت نمود، سید محمد تقی یکی از تألیفاتش را به محضر شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر الکلام فرستاد و صاحب جواهر با دیدن کتاب، اجازه اجتهاد همراه با یکدوره از جواهر الکلام را برای وی فرستاد، سید محمد تقی در سال ۱۲۵۹ هجری به عنوان مدرس علوم اسلامی به مدرسه سلطان المدارس و جامعه سلطانیه دعوت شد و این درحالی بود که علمای بزرگی چون مولانا احمد علی محمد آبادی از شاگردان علامه دلدار علی در این مدرسه تدریس می‌کردند، با ورود مولانا سید محمد تقی به مدرسه سلطانیه از طرف امجد علی شاه فرمانروای اوده به وی خطاب ممتاز العلماء فخرالمدرسین داده شد، مفتی محمد عباس شوشتری در اوراق الذهب می‌نویسد: «اکبر هم فی الهدی والساد و ابرعهم فی الفقه والاجتهاد و ذوی الفكر المتین والرأی الوزین فخر الفضلاء و المدرسین التقی المتقی السید محمد تقی اعلی الله قدره و نور بده احدث منی ستا واقدم فضلاء متا».

ممتاز العلماء فخرالمدرسین، مدت ۳۰ سال مدرس مدرسه سلطانیه بود و همزمان با تدریس و تربیت طلاب علوم دینی به تألیف و تصنیف اشتغال داشت. مجموعه تألیفات وی در زمینه معارف اسلامی بیش از ۳۰ عنوان می‌باشد. ممتاز العلماء برای دسترسی بیشتر به منابع اسلامی، کتابخانه‌ای تأسیس و از سراسر هند و کشورهای اسلامی نسخ خطی نادر و کمیاب را خریداری کرد. مولانا سید آقا مهدی در کتاب خود «تاریخ کاخونچگان ورق» کتابخانه ممتاز العلماء را چنین معرفی کرده است:

کتابخانه ممتازالعلماء مجموعه‌ای است از کتب اسلامی در زمینه‌های مختلف تفسیر، فقه، حدیث، کلام و مناظره که بیشتر نسخ موجود در این کتابخانه از نوادر نسخی است که در کشورهای دیگر به زحمت به دست می‌آید. از جمله نسخ نادر این کتابخانه تفسیر کامل ثعلبی است که در حدود صد سال پس از وفات مؤلف کتابت شده است. این نسخه در سال ۱۹۱۹ م به مبلغ صد و پنجاه هزار روپیه قیمت گذاری شده، همچنین صحیفه سجادیه به خط شهید اول، تفسیر منبع عیون المعانی و فقه رضوی منقول از نسخه اصل و صدها کتاب و نسخه دیگر از جمله نفیس این گنجینه بزرگ اسلامی است، در سال ۱۸۵۷ میلادی (ایام غدر) که میراث فرهنگی اسلامی توسط انگلیسیها به غارت می‌رفت، به این کتابخانه نیز حمله شد، اما غارتگران نتوانستند از این گنجینه کتابی را خارج کنند، مجموعه نسخ موجود در کتابخانه تا سال ۱۳۵۰ هجری ۴۲۴۱ نسخه بوده است.

دکتر محمد سالم قدوانی درباره کتابخانه ممتازالعلماء چنین می‌نویسد:

«وی در جمع‌آوری کتابهای نفیس و ارزشمند، شوقی وافر داشت و برای حفاظت نسخ نفیس و نادر کتابخانه تأسیس نمود و در کنار کتابخانه مسجد و حسینیه بنا کرد. عمارت کتابخانه و مسجد تا کنون موجود است، اما به علت عدم توجه متولیان، کتابخانه روبه‌ویرانی گذاشته است. دکتر محمد سالم قدوانی از جمله کتب نفیس این کتابخانه نخبه الدعوات، العیاب، کتاب الارشاد، حدیقه الواعظین، نزهة الواعظین، لمعة الواعظین و تفسیر ینابیع الانوار را یاد کرده است. ینابیع الانوار تفسیری است در چهار جلد که از تألیفات سید محمد تقی ممتازالعلماء می‌باشد.

اما اکنون به همت و سرپرستی حجة الاسلام سید علی نقوی، کتابخانه رونقی تازه یافته و کتابخانه به حجرات حسینیه سید محمد تقی انتقال داده شده، و کتابها به طور صحیح در قفسه‌های فلزی نگهداری می‌شود. فهرست نسخ خطی این کتابخانه توسط مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند با همکاری ایشان تهیه و پس از تنظیم و ترتیب به چاپ خواهد رسید.

### کتابخانه ناصریه:

کتابخانه ناصریه امروز یکی از محدود گنجینه‌های علمی و دینی در خاورمیانه به شمار می‌آید. بانی این کتابخانه عظیم علامه جلیل سید محمد قلی است وی علاوه بر تصنیفات و تألیفات متعدد در زمینه فرهنگ و معارف اسلامی اقدام به تأسیس کتابخانه‌ای بزرگ جهت استفاده علماء، محققین و پژوهشگران نمود و در زمان حیات این کتابخانه را وقف اولاد خود کرد.<sup>۳</sup>

۳- در صفحه اول بیشتر کتابهای خطی کتابخانه این عبارت نوشته شده «وقف خاص اولادی نمود محمد قلی بهاد»

پس از رحلت علامه محمّد قلی، فرزند برومند ایشان علامه حامد حسین، کار پدر را دنبال کرد و همزمان با تألیف و تصنیف و تصحیح و ترتیب کتابهای پدر به توسعه کتابخانه پرداخت. وی برای تألیف دایرة المعارف بزرگ شیعه «عبقات الانوار» احتیاج به مدارکی داشت که در هند به آسانی به دست نمی‌آمد. علامه حامد حسین همراه برادرش مولانا اعجاز حسین، صاحب کتاب کشف الحجب و الاستار برای تهیه کتابهای مورد نظر به اکثر کشورهای اسلامی سفر کرد و با خرید صدها کتاب بر توسعه این ذخیره علمی همت گماشتند. ایشان علاوه بر سفرهای مکرر به مناطق مختلف توسط دوستان کتابهای مورد نظر را تهیه می‌کرد. مجموعه نامه‌هایی که علامه حامد حسین در باره تهیه کتب اسلامی به علما و بزرگان سایر بلاد نوشته نمایانگر عشق و علاقه و همت این مرد بزرگ می‌باشد. وی تا جایی که ممکن بود سعی در تهیه اصل نسخ داشت و اگر ممکن نمی‌شد افرادی را برای نسخه برداری به محلی که کتاب در آنجا موجود بود اعزام می‌کرد. حجة الاسلام محمّد سعید نجل برومند علامه ناصر حسین، در باره کتابخانه می‌نویسد که علامه حامد حسین مدت زیادی در تلاش تهیه کتاب «الردّة علی المتعصب العنید» بود بعدها معلوم شد که نسخه‌ای از این کتاب در یکی از کتابخانه‌های مصر دیده شده است. وی نامه‌ای به حاج میرزا حسین نوری، صاحب مستدرک الوسائل نوشت و پس از حدود بیست سال موفق به تهیه نسخه‌ای از آن کتاب که در دو جزء بود گردید. پس از رحلت علامه حامد حسین تولیت کتابخانه به فرزندانش مولانا ناصر حسین ملقب به ناصر الملة تفویض گردید. در زمان تصدّی ایشان کتابخانه رونقی بیشتر یافت و در محل کتابخانه تغییرات اساسی به وجود آمد و عمارتی بزرگ توسط یکی از مؤمنین وقف کتابخانه شد و کتابها به محلی که تا کنون به عنوان کتابخانه ناصریه مشهور است منتقل شد. لذا کتابخانه به نام ایشان مشهور است. این کتابخانه دارای بیش از سی هزار کتاب می‌باشد که در حدود ۵ هزار نسخه آن را کتابهای خطی تشکیل می‌دهند. اکثر نسخ خطی این کتابخانه از نوادر نسخ می‌باشد. فهرست نسخ خطی کتابخانه توسط مرکز تحقیقات در دست تهیه است. شرح بیشتر راجع به این کتابخانه در مقدمه فهرست آن خواهد آمد.

### کتابخانه مدرسه الواعظین:

مدرسه الواعظین یکی از بزرگترین مدارس علوم دینی شیعه است که طلاب علوم دینی پس از طی مراحل مقدماتی در مدارس دیگر اسلامی برای مدت سه سال در این مدرسه دوره فقه و کلام تقابلی و مناظره را فرا می‌گیرند. پس از پایان دوره سه ساله طلاب به مدت دو سال به عنوان مبلغ از طرف مدرسه جهت تبلیغ به مناطق مختلف هند و کشورهای دیگر اسلامی فرستاده می‌شوند و در پایان دوره به درجه واعظ مفتخر می‌گردند. اولین مدیر این مدرسه، خطیب بزرگ مولانا سبط حسن بود که خود نیز دارای کتابخانه‌ای مجلل بود و پس از وفات، کتابهایش به کتابخانه راجه محمودآباد

منتقل گردید. این مدرسه در ۱۹ مه ۱۹۱۹ میلادی توسط مهاراجه محمد علی محمد خان والی محمودآباد به یاد برادر جوان مرده اش محمد علی احمدخان تأسیس شد. نظارت این مدرسه به هیأت متولیان به سرپرستی متولی منتظم و اگذار گردید، متولی منتظم مادام العمر و از خانواده محمودآباد و بعنوان سرپرست امور مدرسه و طلاب تعیین می شود، هم اکنون آقای مهاراجه کامر محمد امیر حیدرخان متولی منتظم مدرسه می باشد، مدرسه دارای کتابخانه بزرگی برای استفاده طلاب و مدرسین شامل ۲۵۰۰۰ نسخه خطی و چاپی می باشد. این کتابخانه و مجموعه کتابخانه های راجه محمودآباد (در محمودآباد هاؤس لکهنو مجموعه کتابهای خطی) و قلعه محمودآباد (در محمودآباد مجموعه کتابهای چاپی) زیر نظر ایشان و برادرزاده دانش پرورشان آقای محمد امیر محمد خان اداره می شود. تعداد نسخ خطی این کتابخانه حدود ۱۵۰۰ جلد می باشد که فهرست آن توسط مرکز تحقیقات زبان فارسی تهیه و تنظیم شده است. شرح بیشتر در باره مدرسه الواعظین و کتابخانه آن، در مقدمه فهرست نسخ خطی مدرسه الواعظین خواهد آمد.

### کتابخانه راجه محمودآباد:

در زمان حکومت معتصم عباسی (۲۱۷-۲۲۷ هـ) گروهی از علما و دانشمندان اسلامی از بغداد به هند مهاجرت کردند و در این دیار رحل اقامت افکندند. از جمله ایشان خاندان قضات بغداد بود که پس از ورود به هند به نشر و تبلیغ معارف اسلامی پرداختند و از میان این خاندان قاضی نصرالله به دستگاه سلطان شهاب الدین غوری راه یافت و سلطان وی را به منصب قضاوت ملتان برگزید. پس از وی این منصب در خانواده قاضی نصرالله باقی ماند. خانواده قاضی علاوه بر منصب قضاوت به نشر معارف اسلامی در هند همت گماشتند و گروه زیادی بوسیله ایشان مشرف به مذهب اسلام شدند که از جمله آنها قبیله ای از سندیها به نام گهگر بود که همه مسلمان شدند. پس از وفات قاضی، بعضی از فرزندان او به شهر امروده مهاجرت کردند و در این شهر نیز منصب قضاوت به ایشان تفویض گردید. یکی از اولاد این خانواده به نام داوود خان در زمان حکومت جلال الدین محمد اکبر پادشاه مقتدر هند به لشکریان وی پیوست و چون از خود لیاقت نشان داد ملقب به «خان بهادر» گردید. از این پس اولاد وی به «خانزاد» مشهور گردیدند. محمود خان از نواده داوود خان که یکی از سرداران لشکر مغول بود بنام خود منطقه ای را در حوالی لکهنو آباد و آنرا محمودآباد نام نهاد و از آن پس افراد خانواده وی در محمودآباد اقامت گزیدند. از اولاد وی، بایزید خان در عهد سلطنت جهانگیر لقب عمده الموالی غضنفرالدوله، نواب جنگ گرفت و شاه به وی تحف و هدایای بسیار بخشید که از جمله شمشیری بود که تاکنون در خانواده ایشان وجود دارد. عمارت مقبره بایزید خان در بلهرا نزدیک محمودآباد است. از اولاد بایزید خان، میان مظهر علیخان در اثر تماس با علماء و مجتهدین شیعه، مذهب تشیع را پذیرفت و پس از وی فرزندش میان امیرعلی

در ترویج مذهب تشیع کوشید. دو فرزند وی راجه عباد علی، حاکم بلهرا و راجه نواب علی حاکم محمودآباد مراسم عزاداری را با تشریفات خاص رواج دادند. راجه نواب علیخان مردی عالم و دارای قریحه شعر بود و دیوان قصائد و غزلیات وی به نام «کلیات سحر» تاکنون در کتابخانه محمودآباد موجود است. وی از آخرین فرمانروای اوده «واجد علیشاه» لقب مقیم الدوله قیام جنگ و راجه گرفت. پسر وی امیر حسن خان از طرف حکومت اوده لقب، امیرالدوله سعیدالملک، ممتاز جنگ گرفت. وی مانند پدرش شعر می‌سرود و در شعر به «حبیب» تخلص می‌نمود و بیش از صد مرثیه در ذکر مصائب ائمه اطهار سروده است که تاکنون در مجالس خوانده می‌شود. امیر حسن خان در سفری که به عبات عالیات کرد به خدمت شیخ زین العابدین مازندرانی مرجع وقت رسید و شیخ وی را محبت بسیار نمود و او را به لقب نصیرالملة والذین مفتخر ساخت و هدایائی چون جانماز و عبا و انگشتری با نقش محمد نبی الله و علی ولی الله به وی عطا کرد. عین حکم مرحوم شیخ در حسینیه قلعه محمودآباد تاکنون وجود دارد. راجه امیر حسن خان مردی عالم بود و کتابخانه‌ای تأسیس کرد که دلالت بر ذوق علمی وی دارد. کتابخانه امیرالدوله واقع در قیصر باغ لکهنو محل اقامت واجد علیشاه یکی از کارهای علمی و بنام وی است که دارای چندین هزار نسخه خطی و چاپی بوده است. این کتابخانه اکنون به دست دولت محلی اداره می‌شود و تعداد کتابها در حدود یازده هزار نسخه می‌باشد اما متأسفانه تنها از نسخ خطی این کتابخانه ۷۲ نسخه باقی مانده است. همچنین امیرالدوله در سال ۱۸۹۵ م مدرسه‌ای به نام امیرالدوله کالج در لکهنو تأسیس کرد. در این مدرسه علاوه بر علوم جدید، علوم اسلامی نیز تدریس می‌گردید. این مدرسه با همین نام تاکنون در لکهنو وجود دارد. مدرسه ایمانیه یکی دیگر از کارهای علمی امیرالدوله بود که به خواهش وی و مدیریت مولانا ابوالحسن رضوی کشمیری جهت تدریس علوم دینی تأسیس گردید. پس از وفات مولانا ابوالحسن مدیریت مدرسه به علامه غلام حسین کنتوری واگذار شد اما به علت عدم توجه خاص پس از مدتی مدرسه تعطیل شد و کلیه موقوفات این مدرسه به امیرالدوله کالج منتقل گردید. پس از فوت امیرالدوله پسرش راجه محمد علی محمد خان به جای پدر نشست وی علاوه بر تعلیم علوم دینی با علوم جدید آشنا گردید و از بانیان دانشگاه اسلامی علیگر و دانشگاه لکهنو و دانشکده پزشکی این شهر و اولین رئیس دانشگاه اسلامی علیگر بود. در زمانی که فروغ علم و دانش در شهر لکهنو مرکز علوم اسلامی پس از سلطه انگلیسها به خاموشی می‌گرایید و تمام ثروت علمی اسلامی به یغما می‌رفت، کتابهای زیادی توسط راجه محمد علی محمدخان خریداری و به کتابخانه محمودآباد منتقل شد. از جمله این کتابخانه‌ها، کتابخانه شخصی حکیم میرزا مهدی، کتابخانه میرزا محمد هادی عزیز صاحب تجلیات عباس و کتابخانه مفتی میر محمد عباس شوشتری، و کتابخانه خطیب بزرگ سبط حسن اولین مدیر مدرسه الواعظین بود. پس از راجه محمد علی خان، فرزندانش راجه محمد امیر احمد و مهاراجکار محمد امیر حیدرخان کتابخانه را توسعه دادند. و

بعضی از ذخایر نفیسی که در معرض تلف بود را از اطراف و اکناف خریداری و در کتابخانه جمع کردند. در ابتدا اسم این کتابخانه را «کتابخانه سقراط» نام نهادند و پس از مدتی این کتابخانه بنام «مکتبه الحسینیه» نام گذاری گردید و اکنون به نام کتابخانه راجه محمودآباد مشهور است. علامه امینی از این کتابخانه بنام مکتبه الحسینیه محمودآباد یاد کرده است. تعدادی از کتابهای این کتابخانه در زمان حیات محمد امیر احمدخان به نجف اشرف و تعدادی از آنها به پاکستان منتقل گردید. از سرنوشت کتابهایی که به نجف اشرف فرستاده شده اطلاع صحیحی در دست نیست و کتابهای منتقل شده به پاکستان در کراچی موجود است. تعداد کتابهای موجود در کتابخانه راجه محمودآباد در حدود هشتاد هزار نسخه می باشد که از این تعداد حدود دوهزار و پانصد نسخه خطی است. نسخه های خطی در محل اقامت خاندان ایشان در قیصر باغ لکهنو نگهداری می شود و نسخ چاپی تا کنون در کتابخانه بزرگ ایشان در قلعه محمودآباد محفوظ است.



۱. نوالی عهد کی هندوون کا فارسی ادب مین یوگدان. دکتر نریندر بهادر سریواستوا، لکهنو، ۱۹۸۳ م، طبع دوم اردو
۲. سلطان عالم واجد علیشاه
۳. سید مسعود حسن رضوی، لکهنو، آل انڈیا میر آکادمی، ۱۹۸۳ م اردو
۴. قیصر التواریخ
۵. سید کمال الدین حیدر حسینی، لکهنو، نولکشور، ۱۸۹۶ م اردو
۶. ظہیر الانشاء
۷. محمد ظہیر الدین خان بلگرامی، لکهنو نولکشور، ۱۹۸۷ م اردو
۸. لکهنو کی شعر و ادب کا معاشرتی و ثقافتی پس منظر
۹. دکتر سید عبدالیاری، فیض، نشاط، ۱۹۸۷ م اردو
۱۰. Aude, Its princes and Its Government, London, 1857
۱۱. تاریخ کا خوچگان ورق
۱۲. سید آغا مهدی، مخطوطه، اردو
۱۳. امجد علیشاه متشرع پادشاه
۱۴. سید سبط محمد اکبر پوری، لکهنو، دانش محل، اردو
۱۵. بانی مدرسه سلطانیہ
۱۶. مجموعه مقالات سبط محمد اکبر پوری از شماره ژوئن ۱۹۷۴ م تا اکتبر ۱۹۷۶ م مجله الواعظ، لکهنو

۱۰. یادنامه علامه حامد حسین نیشابوری  
مهدی خواجه پیری، زیر طبع فارسی
۱۱. مشرقی کتب خانگی - قسمت اول  
سلمان شمسی ندوی، لکھنؤ، نظامی پریس، ۱۹۷۳ م اردو
۱۲. الذریعہ الی تصانیف الشیعہ مجلدات مختلف  
علامہ شیخ آغا بزرگ تهرانی، طبع بیروت، ۱۴۰۳ هـ عربی

